

سفیر قالی ایران

بیر ساری سال بیر قره / شانه ویر او تل لره

الله کی سن اوخوسان / اود ویرسان اتل لره

چه گویم که ناگفته پیداست، قالی برای عاشقان زیبایی روایتی است از ورای ظاهر آن. سخن از هنر طرح و نقش است، حضور رنگ و حکایت دلی است در پای دار، گرہ در گرہ، صدای دفنتین، مفراس پرز، پیچش شیرازه و برش انتهای، شست‌وشویی برای غبارروبی از گل‌هایی که تمثیلی از باغ بهشت طبیعتند. در این میان همواره دلدادگانی بوده‌اند که زندگی خود را در پای قالی ریخته‌اند و چون پروانه‌ای به عشق شمع خویش سوخته‌اند. دکتر طاهر صبا‌هی بی‌شک یکی از عشاق قالی مشرق‌زمین است. وی که اکنون در دهه هفتم زندگی خود به سر می‌برد، از مادری اهل باکوی جمهوری آذربایجان و پدری از اهالی اردبیل زاده شد. دوران کودکی خود را همراه پدر در سفرها و بازارها طی می‌کرد و مشاهده بازار و مغازه قالی‌فروشی در سر راه دکان پدر، اولین محرک ذهنی و کشش به دنیای سحرانگیز قالی بود. صبا‌هی پس از اتمام تحصیلات و اخذ دکترای داروسازی از دانشگاه بولونیا، به خاطر اتفاقی ساده ساکن تورینو شد و رفته‌رفته گرایش به قالی مسیر زندگی رپرچالی را برایش رقم زد. در خصوص گرایش دکتر صبا‌هی به قالی دو نکته موثر وجود دارد: اول میراثی که به واسطه قرابت با پدربزرگ مادری ایشان به نام محمدعلی، بازگان قفقازی (تاجر قالی و ملزومات) که از ساحل دریای سیاه صادرات به اروپا می‌کرد و دومی از کودکی دیدن قالی‌ها در بازار (خرید اولین قالی در دوران کودکی با پول پس‌انداز خود) را می‌توان برشمرد. فضای اطراف و علاقه به دربر گرفته است. وی در طول فعالیت حرفه‌ای خود، عضویت در هیات رئیس موسسه تاجران قالی ایتالیا، ریاست کلوب قالی شرق، عضویت انجمن دوستداران قالی و یکی از اعضای ICOC و انجام سخنرانی‌ها و ارائه مقالات در سمینارهای بین‌المللی را در کارنامه درخشان خود دارد. همچنین انتشار ۲۰ جلد کتاب در حوزه قالی ایران و جهان و انتشار نزدیک به ۴۸ شماره مجله گرہ، گوشه‌ای از فعالیت این سفیر قالی ایران است. سال‌ها دوری از وطن و اقامت در شهر زیبای تورینو (شمال ایتالیا) بی‌شک باره‌قاهی تشدید علاقه به خاک وطن بوده و در این میان تکرار قالی پیوندی ناگسسته میان وی و سرزمینش به وجود آورده‌اند و این کمیگرا پیر، اکسیر صبا‌هی خود را از دریچه نقش و رنگ دستبافته مردمان خود یافته و همواره بوی وطن را از میان گل‌های باغ قالی ایران استنماد کرده است. به نظر دکتر صبا‌هی: پس از عمری تحقیق و پژوهش پیرامون قالی جهان، ایران گهواره قالی است و اگر از پس مدیریت آن برنی‌آیم، آن را به حال خود بگذاریم.

مجله گرہ

مجله دوزبانه (ایتالیایی و انگلیسی) گرہ، به بررسی قالی و نساجی می‌پردازد و برای خیرگان و کارشناسان معتبر قالی جهان به تریبویی برای اظهارنظر تبدیل شده است. مطالب این مجله شامل مقالات پژوهشی، اخبار قالی ایران و جهان، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها، بررسی کتاب، اخبار حراجی‌های معتبر و تبلیغات ... است. حوزه توزیع مجله نیز از استرالیا تا ژاپن، هند، امریکای شمالی و اروپاست و در میان مشترکین از موزه نساجی واشنگتن تا موزه فرش تهران، حراجی‌های معروفی چون کریستی، تجار و اکثر علاقه‌مندان به هنر- صنعت قالی و نساجی دیده می‌شوند. (لازم به ذکر است دکتر صبا‌هی سال‌هاست تلاش می‌کند تا شرایطی در خصوص انتشار مجله به زبان فارسی فراهم شود)

در زیر به چند عنوان مهم کتب وی اشاره می‌کنم.

واگیره

واگیره یا به ترکی اورنگ، تکه پارچه یا تکه قالی بافته شده‌ای است که فصیح‌ترین اطلاعات و داده‌های زیبایی قالی را در خود جای می‌دهد. واگیره به عنوان الگو یا مدل بافت قالی به کار می‌رود چنانچه در برخی از این واگیره‌ها یک چهارم طرح و در برخی ترنج قالی یا بخش‌هایی از حوضی به طور نمایان وجود دارد. قالیباف در بافت قالی می‌تواند علاوه بر پیروی از واگیره، خیال‌پردازی کند و نقوش بی‌پدیل به وجود آورد. واگیره‌ها تنها به عنوان ابزاری فنی برای آشنایی هستند، بلکه به عنوان نمونه‌هایی از هنر تربیتی قابل تأمل هستند. این کتاب در سال ۱۹۸۷ در ۹۶ صفحه با بیش از ۴۰ تصویر رنگی در فلورانس ایتالیا به چاپ رسیده است.

الهای قالی شرقی

راه‌نمایی و شناخت اولیه در مورد تاریخچه، مراکز تولید قالی، عمده‌ترین طرح‌ها و توضیحاتی در خصوص منشاء نقوش مناطق، مراحل نگهداری و مرمت قالی‌ها و... از جمله مطالب مفیدی است که در این مجموعه ارائه می‌شود. در کل می‌توان از این کتاب به عنوان فرهنگ راهنمای قالی نام برد. این کتاب در ۲۴۰ صفحه با بیش از ۱۵۰ تصویر رنگی در سال ۱۹۹۱ به چاپ رسیده است.

پنج قرن قالیبافی در کرمان

با شنیدن نام کرمان، بی‌اختیار پیرایه‌های سربسز، با شاخه‌های پرشکوفه در نظر شکل می‌گیرد. اگر چه کرمان در مجاورت کویر قرار دارد، اما شاهین خیال قالیبا‌فان و طراحان از فراز باغ‌های بهشتی، چنان به پرواز در آمده که دین هر کدام از قالی‌های آن دیار با رنگ‌های شاد و عطرآفاش‌ی هزاران گل ذوقی بی‌حد در بیننده برمی‌انگیزد. در این کتاب نگارنده علاوه بر پرداختن به تاریخچه قالی کرمان و ارائه نمونه‌های منحصر به فردی از آن، خواسته ادای احترامی به استادان طرح، قالیبا‌فان و علاقه‌مندان آن در سراسر جهان کند و نام قالی کرمان را مترادف با شکوه و جلال و کمال نشان دهد. این کتاب در سال ۲۰۰۶ در ۱۳۰ صفحه و با بیش از ۱۰۰ تصویر رنگی به چاپ رسیده است.

هنر قالی شرقی

یکی از جامع‌ترین منابع به تحریر در آمده در خصوص قالی مشرق‌زمین بی‌شک کتاب هنر قالی شرقی است. مطالعه تحلیلی کامل، مبتنی بر اسناد و مدارک با تصاویر بسیار زیبا از خصوصیات این کتاب فاخر است. در بخش اول مقدمه‌ای بر قالی و پیدایش آن و مسیر تحولات این دستبافته نگاشته شده است. سپس به بررسی دقیق مناطق جغرافیایی کشورهای ایران، ترک، قفقاز، ترکمنستان، افغانستان، بالکان و کشورهای حوزه دریای مدیترانه، هند و چین با ارائه تصاویر نمونه‌های قالی از موزه‌ها و مجموعه‌های سراسر جهان می‌پردازد. ر بخش دیگری به تحلیل تکنیک‌های بافت، مواد رنگزا، منشأ و معانی نقوش، مشکلات و نقدها پیرامون قالی‌ها پرداخته می‌شود. این کتاب در سال ۲۰۰۷ در ۴۴۰ صفحه با ۱۰۵۰ تصویر با چاپ نفیس به زیر طبع ارسته شده است.

یادداشت‌های محلی کار قالیبافی:

یک گرہ زرد بیاف یک گرہ مشکی
آشنایی‌بزن (دقتین زدن) به آن تارها
آنچنان که تو می‌خوانی (می‌بافی) / آتش به پا می‌کنی در میان ایل و طایفه

مینیاتوربست و نقشه‌کش قالی

کتابخانه‌های ایرانی

یکی طبقه ساختمان به موزه اختصاص دارد. در این موزه انواع فرش‌های عتیق و ارزشمند که حاصل جست‌وجوی طولانی ایشان در کشورهای مختلف است به نمایش گذاشته شده است. فرش‌های ایرانی، قفقاز، ترک‌من، ترک، افغان و... همگی در کنار یکدیگر یک سالن نسبتاً بزرگ را تزئین می‌کنند. هر کدام از آنها با داشتن مشخصات و شناسنامه به صورت کامل و زیبایی می‌توانند معرف هنر فرش‌بافی یک ملت باشند. از دکتر پرسیدم چقدر هزینه این کار شده و چه نقشی در فرسگاه تو دارد و در حقیقت چه استفادای از آن می‌بری؟
دکتر پاسخ گفت: مردم ممکن است استفاده‌های خوبی ببینند و چیزهای زیادی از آن یاد بگیرند ولی استفاده من فقط عشقی است که به آن دارم.

اوج بازدید ما به اتاق کوچکی در کنج این ساختمان برمی‌گشت. در این اتاق، صندوق‌هایی قرار داشت. تقریباً به اندازه نصف روز در این اتاق کوچک سبزی شد. دکتر شخما در صندوق‌ها را یک به یک بازمی‌کرد و فرش‌ها و فرش‌پاره‌هایی را که در آن بود درمی‌آورد و یکی یکی توضیح می‌داد. این صندوق‌ها حاوی گنجینه‌هایی بود که دکتر آنها را به زحمت و در طول سالیان جمع‌آوری کرده بود و می‌خواست راجع به آنها کتاب بنویسد. چون هنوز کتابش را ننوشته نمی‌توانم بگویم این فرش‌ها چه بودند. فقط همین قدر بگویم که مجموعه‌های تخصصی بودند که اطلاعات مکتوب در مورد آنها وجود ندارد. این افتخاری برای من بود که قبل از اینکه کتاب نوشته شود، در جریان تولید این قسمت از علم قرار می‌گرفتم. دکتر صبا‌هی با علاقه و اشتیاق این فرش‌ها را نشان می‌داد و به تکت‌تک سوالات ما پاسخ می‌داد. در این اتاق تا آنجا که ذهنم یاری می‌کند سه مجموعه تخصصی فرش جمع شده بود و باید منتظر چاپ حداقل سه کتاب از ایشان باشیم. همکار من که از طراحان خبره شرکت فرش است، پس از اتمام بازدید محل کار آقای دکتر صبا‌هی اقرار کرد ت به حال این چیزها را نه شنیده بود و نه خوانده بود و نه دیده بود و به نظر وی باید این مطالب را به هر قیمتی که شده به داخل ایران منتقل کرد و در دانشگاه‌ها تدریس کرد تا عمق دانش دانشگاهی‌های ما افزوده شود. بنده هم به طور قاطع با این نظر موافقم و فکر می‌کنم دانش دکتر صبا‌هی بیش از ۲۰ کتابی که تا به حال منتشر کرده و نزدیک به ۵۰ مجله گرہ که تا به حال بیرون آمده است خلاصه نمی‌شود. بارها ایشان به ایران آمده و تقاضای کمک برای نشر علم فرش در ایران کرده ولی هنوز متأسفانه نتوانسته‌ایم بهره کافی را از ایشان ببریم. امید است که روزی قدر ایشان را بیشتر دانسته و بتوانیم از دریای علم ایشان در داخل کشور بهره ببریم.

یادداشت‌ها

نگاهی به زندگی و کارنامه دکتر طاهر صبا‌هی

کارشناس فرش

هویت ایرانی، گرہ خورده بر تار و پود قالی



فرناز یونس‌ی
Farzadyou@gmail.com

این فرش که زیر پایت انداختام
با تار دل و پود تنم بافته‌ام
با هر گرهِش عشق تو محکم‌تر شد
در هر رَج آن نقش تو پرداختام
اَو! طاهر صبا‌هی
سخن گفتن از «دکتر طاهر صبا‌هی» دشواری آسان‌نماست. نام او با قالی گرہ خورده است. این روز‌ها هر که اندک علاقه‌ای به فرهنگ ایران داشته باشد، با شنیدن این نام بی‌اختیار به یاد «گرہ» می‌افتد، اما اینکه وی چگونه به این جایگاه رسیده و برای پاسداشت این نماد ملی چه کرده است، خود داستانی است به بلندی عمر گرانبارش. دکتر صبا‌هی که امروز او را با یحق می‌توان نخستین کارشناس ایرانی قالی نامید، از کودکی شیفته این بافته بوده است؛ بسان پدربزرگش -که اهل قفقاز بود و در باکو زندگی می‌کرد- و شاید صبا‌هی این عشق را از او وام داشته باشد. پدرش تاجر خشکبار بود و در بازار تهران حجره داشت. تابستان‌ها، مادر برای راهایی از شیپنت‌های او و برادرش ناصر -که بازیگوش‌ترین فرزندان این خانواده هشت نفری بودند- آنها را همراه پدر به بازار می‌فرستاد. به گمان من ریشه‌های این عشق او به قالی را می‌توان در همین روز‌های تابستان کودکی جست. این عشق تا بدینجا رفته بود که در ۱۱ سالگی تمام پس‌انداز خود را برای خرید آنچه شیفته‌اش بود، بدهد. فرش‌فروشی در راه بازار، بر در حجرارش دو تخته باختی لاک‌ی کاشان آویخته بود و طاهر صبحگاه هر روز از کنارش عبور می‌کرد. تابیدن نور به نقش و نگار سرخ باختی، آنچنان پیش چشمش زبیا می‌نمود که ناخودآگاه می‌ایستاد؛ زیرا این زیباترین تصویری بود که تاکنون در چشمان ۱۱ ساله‌اش منعکس شده بود. افسوس که دمی بعد پدر می‌خواندش و با‌ها هم به حجره خودشان می‌رفتند. این داستان هر روز تکرار می‌شد و طاهر نوجوان هر بامداد با این دلپره از خواب برمی‌خاست که نکند آن دو فروخته شده باشند. مدت‌ها گذشت تا توانست آنها را بخرد. قلکش را شکست و پول پس‌اندازش را به پدر داد، چه‌بسا که کافی هم نبود و روشن نند پدر چقدر از جیب خودش روی آن گذاشت تا فرزند به خواسته‌اش برسد. شاید از همین‌رو بود که بیش از او، پدر به آنها عشق می‌ورزید (این نخستین تجارت طاهر صبا‌هی بود که او بعدها -که با بازرگانان بسیاری آشنا شد- همواره آن را به یاد داشت).

صبا‌هی اما پس از سفر به ایتالیا هم هنوز دل در گرو آن دو بافته داشت. از آنجا که پدرش زاده آذربایجان و شیفته قالیبافی زادگاهش بود، دو قالیچه- ابریشمی تبریز خرید و با رندی به جای آن دو باختی به او بخشید. هرچند پدر پذیرفت، اما من یقین دارم ته دلش از این زیرکی آگاه بود. طاهر صبا‌هی تحصیلاتش را در ایران در رشته پزشکی- به اصرار مادر- به پایان می‌برد، سپس راهی ایتالیا می‌شود و به دانشگاه «بولونیا» به خواندن داروسازی می‌پردازد. با پایان یافتن درسیش، مدتی برای تدریس به ایران می‌آید، اما انگار برای یاد دادن آن دروس ساخته نشده است. زندگی صبا‌هی از همان ۱۰ سالگی در قالی خلاصه شده بود و همین شد که یک آن رفت و از سال ۱۹۷۲ میلادی به صورت تخصصی وارد این رشته شد. چندی بعد، یعنی در سال ۱۹۷۶ به ICOC (کنفرانس بین‌المللی هنرهای شرقی) راه یافت و به‌ه عضویت دائم آن درآمد. این کنفرانس که مقر اصلی آن لندن است، به مسوولیت ۳۵ کارشناس فرش اداره می‌شود که دکتر صبا‌هی یکی از آنان است.

دکتر طاهر صبا‌هی پس از آن و در سال ۱۹۸۴ به عنوان یکی از اعضای AIMTO (هیات موسس بازرگانان فرش شرقی ایتالیا) شروع به فعالیت می‌کند و دو سال بعد نیز به عنوان رئیس CATO (کلوب فرش شرقی) برگزیده می‌شود. درباره پیشینه کاری‌اش باید گفت نخستین کتاب او با شمارگان ۲۶ هزار نسخه به زبان ایتالیایی و ۱۴ هزار نسخه به زبان فرانسه، در سال ۱۹۸۶ چاپ شد. گویا پس از آن بود که زندگی‌اش را وقف جست‌وجو، پژوهش و نوشتن کرد. با قشقای‌ها، شاهسون‌ها، کردها و ... سفرهای بسیاری رفت، همچون آنها در چادر خوابید و اسب سوار شد تا به اینجا رسید؛ به مرز سپیدمویی. کارهای دکتر صبا‌هی در ایتالیا تأثیر بسیاری داشت و هم‌اکنون ۱۸ سال است که او مجله تخصصی «گرہ» را به عنوان تنها مجله

سال پنجم ■ شماره ۱۰۳۷ ■ یکشنبه ۲۴مرداد ۱۳۸۹



میان بر سر تصاحب آن رخ داده است چراکه از یک سو بخش صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی، فرش را از آن خود می‌داند و از سوی دیگر وزارت بازرگانی می‌خواهد مالکیت خود را به اثبات برساند!

دکتر صبا‌هی با وجود آنکه خود از استادان فرش است و دانسته‌هایش را به تمامی دنیا عرضه می‌کند، نتوانست برای آموزش آنها به مردم کشورش کاری از پیش برد. ۱۱ دانشگاه در ایران مارشته‌های مرتبط با «فرش» دارند و اکثر آنها دانش‌آموختگانی نه چندان کارشناس تحویل جامعه می‌دهند. افسوس بزرگ‌تر در اینجاست که بسیاری از این دانشجویان هم به مطالعه در این زمینه علاقه دارند و هم ظرفیتش را، اما نه کتابی در اختیارشان است و نه اسنادی. طاهر صبا‌هی می‌خواست مجله‌اش را به رایگان میان دانشجویان تقسیم کند، اما دانشگاه‌ها نپذیرفتند. در مقابل نیز موزه فرش ایران کتابش را نخرید زیرا می‌خواست آن را به رایگان در اختیار بگیرد! دکتر طاهر صبا‌هی می‌خواست این کتاب را برای معرفی شاهکارهای قالیبافی ایران در حافظه هنری کشورش به ثبت برساند، اما نشد.

اینکه می‌گویم ایران کمکی به گسترش دانش شناخت فرش نمی‌کند، بر این پایه است که همان‌گونه که می‌بینیم منابع فارسی در زمینه فرش بسیار محدودند. نه پژوهشی برای فرش انجام شده، نه نویسنده‌ای خود را مشغول آن کرده و نه بودجه‌ای برایش در نظر گرفته شده است.

آنچه هم که تاکنون در این زمینه نگاشته شده است، به باور کارشناسان نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند. انگار ایران هزینه‌ای برای شناساندن فرش نمی‌پردازد، شاید هم اصلاً بودجه‌ای برای اختصاص به این زمینه ندارد. برای نمونه به‌خاطر مقاله مفصلی پیرامون «فرش بازریک» که صبا‌هی سال‌ها بر رویش کار کرده بود، به ازای هر کلمه ۶۰۰ ریال در نظر گرفته بودند. آیا به راستی کار وی اینقدر ارزش داشت؟

از دیگر فعالیت‌های دکتر صبا‌هی در ایران نوشتن بخش گلیم و قالی برای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی بود که برایش تقدیر هم شد، اما افسوس که پژوهشکده فرش -که باید نسبت به دیگر سازمان‌ها، بیشترین توجه را به کار وی می‌داشت- آنچنان کارشناسی کرد که صبا‌هی وادار شد‌از ادامه کار دست‌بکشد.

گمان می‌کنم هر کدام از اینها به تنهایی، برای دلسرد کردن فردی که به فرهنگ و تمدن سرزمینش عشق می‌ورزد، کافی باشد. او که تمام هزینه کارهایش را خود می‌پرداخت، دوست داشت کتابش، مجله‌اش و مقالاتش در کشور چاپ برسد، اما انگار ما او را ندیدیم و کارش را نشناختیم. چه غم بزرگی بر دل می‌نشیند وقتی می‌فهمیم موزه هنرهای اسلامی دوحه چگونه گنجینه ملی ما را خریده، به نمایش گذاشته است و چشم‌ها را نوازش می‌دهد و ما خود ارزشی برای آن قائل نیستیم. چه درد نهانی است که گنجینه بزرگ ما در موزه‌های بسیاری خفته است و ایران ما حتی بودجه‌ای ناچیز برای چاپ کتابی تخصصی در این زمینه نمی‌پردازد.

وزارت امور خارجه می‌توانست کتاب او را چاپ کند تا سفیرانش -چنان که خود صبا‌هی همواره می‌خواست و می‌خواهد- آن را به عنوان هدیه از کنسولگری‌های ایران به جای‌جای دنیا ببرند. این‌گونه هم طاهر صبا‌هی می‌دانست که کارش برای ایرانیان ارزشمند است، هم دنیا

می‌فهمید که هنر ایرانی وصف‌ناپذیر است و هم وزارت امور خارجه می‌توانست کمک بزرگی به میراث ایران‌زمین بکند.
اوضاع فرش در زمانه کنونی ما چندان تعریفی ندارد. دیگر کمتر کسی هست که بفافد. مردم آنچنان غرق در سرگرمی‌های کوچکی همچون تلویزیون شده‌اند که از اصل خود بازمانده‌اند. امیدوارم استاد با همه این دلگیری‌ها و دلخوری‌ها، هنوز کمی دلخوش باشندند که کتاب‌شان می‌تواند فرش، این یادگار سده‌ها، را همچنان زنده نگاه دارد. باشد که بدانیم و برای آیدگان هم بازگو کنیم.

«نقل‌قول‌هایی که در این یادداشت از دکتر صبا‌هی آمده، برگرفته از گفت‌وگوی نگارنده و مسعود لقمان با ایشان در مجله گردشگری دنیای تجارت است.

نمی‌بینیم. در دایره‌ای زندگی می‌کنیم که

تنها به دورش می‌چرخیم. ما خلق می‌کنیم، بی‌آنکه بدانیم چرا و این‌دیگرانند که برایمان

تعریف می‌کنند چه شد. مگر نوشتن کتابی پیرامون قالی چقدر هزینه دارد. افسوس که ما

نتوانستیم چنین کتابی در خود ایران هم داشته باشیم. دکتر طاهر صبا‌هی می‌خواست کتابش در ایران چاپ شود، می‌خواست سازمان میراث فرهنگی کتابش را چاپ کند تا از سوی وزارت امور خارجه به عنوان هدیه به کشورهای دیگر فرستاده شود. شاید این‌گونه، بیگانگان هم کمی از پیشینه تاریخی و فرهنگی ما آگاه می‌شدند. دریغ که هیچ‌کس خواسته‌های او را نپذیرفت.

دکتر صبا‌هی این روز‌ها در حال تکمیل آن کتاب است و حاصل رحمتش را با نام «شکار در بهشت» به ناشری انگلیسی سپرده است.

از لابه‌لای پژوهش‌های صبا‌هی به ناآگاهی

ایرانیان پی می‌بریم. از اینکه به اشتباه می‌پنداریم نخستین قالی تاریخ را ایرانیان بافته‌اند، حال آنکه در سال ۱۹۶۱ میلادی، قدیمی‌ترین پارهِفرش شرقی در کنار «دوخانه «نوم‌هونگ» به وسیله باستان‌شناسان چینی در چین غربی یافت شد و کریس رادیواکتیو، پیشینه‌ی آن را چهار هزار سال پیش از میلاد نشان داد. شاید یکی از موانع پیشرفت ما همین غرور نابخاشی ایرانی باشد.

آتش، نوه خلف استاد

این روز‌ها برای طاهر صبا‌هی که اینچنین دلگیر از می‌بهری‌های برخی هومطانش است، وجود نوه‌ای خردسال که راه او را در پیش گرفته است، می‌تواند روزه نهد امیدی باشد. «آتش» که در ایتالیا زندگی می‌کند، اکنون با دستگاه بافندگی‌ای که بنیاد زنده‌یاد «رسام عرب‌زاده» برایش ساخته است، به آموختن قالیبافی مشغول است. او فرش را که از پدربزرگ هدیه گرفته، با علاقه در اتاقش پهن کرده است. رویش می‌نشیند، بازی می‌کند و می‌خواند.

در این اندیشه‌ام که آتش کوچک نیز همچون صبا‌هی بزرگ این عشق را از نیایش به‌یادگاردارد.

دریغ و افسوس

طاهر صبا‌هی با پیشینه‌ای درخشان در عرصه پژوهش پیرامون فرش، اکنون فعالیت فرهنگی در کمیسیون‌ها و انجمن‌های مختلفی همچون کمیسیون ملی ارزیایی، اتحادیه مجموعه‌داران فرش، انجمن دوستداران فرش، هیات بین‌المللی فرش در ایتالیا و کمیسیون ویژه فرش در آلمان و اتریش را در کارنامه کاری خود دارد.

افسوس که کارهای او در کشور خودش، ایران، با استقبال چندانی روبه‌رو نشد. سازمان‌های دولتی ایران، بهایی به کتاب‌های او ندادند. با وجود اینکه فرش از مهم‌ترین تولیدات صادراتی کشور و مورد توجه تمام جهان است، نه بازرگانان و تاجران کمکی به او کردند و نه مسوولان دولتی به کارهایش ارزشی گذاشتند. پژوهشکده هنرهای سنتی برای چاپ کتاب با وی قراردادی بست، اما نه هزینه‌ها را پرداخت کرد و نه اقدامی برای چاپ انجام داد. این بود که صبا‌هی به‌ناچار و با دلخوری بسیار، حاصل تلاش‌هایش را از آنها بازپس گرفت و به ناشری در ایتالیا سپرد.

آنچه امروز گریبان برخی از مسوولان فرش در ایران را گرفته است، نه ارزش ندادن به صنعت فرش است و نه کمک نکردن به گسترش بعد علمی‌اش، بلکه تنها و تنها جدلی است که این

گزارش

-1986• Tappeti d'Oriente. Arte e Tradizione
-1987• Splendeur du Tapis d'Orient
-1987• Vaghireh. Modelli per la tessitura dei tappeti
-1989• Qashqai. Tappeti tribali persiani
-1989• Tappeti. X volume «Grande Enciclopedia dell'Antiquariato»
-1990• Kilim. Tappeti piani del Caucaso.
-1991• ABC del tappeto Orientale
-1991• Cavalieri d'Oriente. Coperte da cavallo e da sella dal XVII al XX secolo.
-1992• Kelims, Kaukasiche Flachgewebe
-1992• Sumakh. Tappeti piani a trama avvolta(Sumakh. Weft wrapped flat weaves)

و ما بر روی پرزهایش پا می‌گذاریم. احساسی که در تار و پود قالی خفته است را در هیچ فرش‌ی نمی‌توان یافت.»

سמفونی فرش

دکتر صبا‌هی در پی این است که گر ز دست برآید، با همکاری اتاق فکر فرش، سمفونی‌ای برای فرش بسازد. این سمفونی همان گونه که از نامش پیداست، تداعی‌کننده لحظه به لحظه بافتن فرش خواهد بود و ساختنش- چنان که روشن است- کار ساده‌ای نیست و از عهده هر رهبر ارکستری برنی‌آید. چنین رهبری باید آموزش ببیند تا بتواند رازهای خفته در قالی را

بفهمد. تا زمانی که نتواند احساس نفخته در قالی را درک کند، قادر به ساختن چنین نوایی نخواهد بود. نخست باید درک کند یک قالی چگونه بافته می‌شود. چگونه در میان تار و پود، گر‌ها به هم می‌خورند و قالی شکل می‌گیرد. باید بتواند تاریخ شش هزار ساله قالی را بشناسد. چنین رهبری باید درک کند چه حسی در بافنده‌ها وجود داشته است. باید آوازه‌ها و نواهای قالی را بشنوند، آوازهایی که بافندگان می‌گیرند، یا از روی طرحی ساده بافته می‌شوند یا برخاسته از ذهن بافنده هستند. نقوش پیچیده چون و چرا دارند و توسط استادان این هنر پدید می‌آیند. از اینجاست که می‌توان فهمید این نقش‌ها در شهر تکامل یافته‌اند، برخلاف نقوش عشایری که به تناسب ذات بافندگان‌شان بسیار ساده و بی‌غش‌اند.

به یاد گفتم‌ای از خود او افتادم که گواهی بر این سادگی است و آن این است که دکتر صبا‌هی دختری از تبار قشقای را می‌شناخت که به آلمان آمده و با دین آب معدنی پرسیده بود: «چرا آب را زدن‌ای می‌کنید؟!»
به حقیقت مایه افتخار هر ایرانی است که طاهر صبا‌هی روی نخستین قالی امضادار ایران پژوهش کرده است. نقوش این قالی به حدی پیچیده است که در میان هفت سوار حشده بر آن، هیچ پوشش یکسانی دیده نمی‌شود. هر هفت اسب با هم متفاوتند، همان طور که نوع شکار سواران با هم تفاوت دارد. شیر به دست سردار معمولی کشته نمی‌شود. نقش پادشاه آنچنان با بقیه متفاوت است که حتی بدون توجه به شکار او هم می‌توان تشخیصش داد. صبا‌هی در تحقیقاتش دریافت که این قالی در زمان شاه را می‌دیدند که چگونه با گچ و رنگ روی دیوار نقشه‌هایی می‌کشیدند تا احساسات‌شان را بیان کنند. یکی از شیوه‌های درمانی روانشناسان این است که از روی چنین نقش‌هایی دریابند در اعماق وجود بیماران چه می‌گذرد همان‌گونه که در نقاشی‌های کودکان نیز نمایان است.

نوایی به این سادگی‌ها نیست. آهنگ خواندن رنگ‌ها، وقتی با صدای کوفتن شانه و زدن گرہ درهمی‌آید، می‌سمفونی می‌سازد و پروراندن این سمفونی نیازمند درک درستی از تمامی اینهاست.

دیوانگان شرقی

طاهر صبا‌هی شرقیان را دیوانگانی می‌داند که بی‌آنکه بخوانند، اینچنین هنر می‌پورزند. صبا‌هی در خاطرات خود گفته است روبه‌روی گالری‌اش در «تورینو»ی ایتالیا مرکز برای مراقبت از بیماران روانی بود و او هر روز یکی دو نفر از آنها را می‌دیدند که چگونه با گچ و رنگ روی دیوار نقشه‌هایی می‌کشیدند تا احساسات‌شان را بیان کنند. یکی از شیوه‌های درمانی روانشناسان این است که از روی چنین نقش‌هایی دریابند در اعماق وجود بیماران چه می‌گذرد همان‌گونه که در نقاشی‌های کودکان نیز نمایان است.

به راستی هم ما شرقی‌ها ناخوسته و از روی احساس، هنر بافتن قالی را به وجود آورد‌ه‌ایم.

شاهد این امر آن است که در ایران هیچ کتاب مهم و آکادمیکی در زمینه فرش تاکنون منتشر نشده است. تقریباً ۱۰ درصد ایرانیان به قالیبافی مشغولند، هزاران قالی از ایران در موزه‌های سراسر دنیااست، اما کتاب‌های ما از اروپاییان می‌نویسند. چرا ۶۱ سال پیش، یعنی سال ۱۹۴۹ میلادی، یک مامور خرید انگلیسی کتابی پیرامون فرش را نوشت و ما هنوز هم فقط همان را داریم؟! شاید دلیل، این باشد که ما از گنجینه‌های بافته‌ای که داریم ناآگاهی‌م. ما گوش داریم، اما نمی‌شنویم. چشم داریم، اما

فهرست آثار

دکتر طاهر صبا‌هی

- 1995• Una preziosa collezione di antichi tappeti dell'Anatolia
- 1995• Samarkanda. Tappeti dalla Via della Seta
- 1997• Tüllü. Tappeti a pelo lungo dell'Anatolia Centrale
- 1998• Cina. Antichi tappeti dal Celeste Impero
- 1998• Shahsavan Jajim
- 1999• Tappeti orientali. Manutenzione e restauro
- 2000• TIBET, Rugs from the Roof of the World
- 2005• Cinque secoli di tappeti Kerman
- 2007• L'arte del tappeto d'oriente